نسیم جنوب

www nasimjonoub com

سال بیست و هفتم – شماره ۱۰۸۶

دوشنبه ۴ خرداد ۱۴۰۳   ۸ صفحه – ۵۰۰۰ تومان

(مبلغ فروش به کیوسک مطبوعاتی تعلق می‌گیرد)

انتخاب پزشکیان؛ فرصتی برای آشتی ملی



مهندس تبادار در افتتاحیه ستاد مرکزی دکتر پزشکیان در بوشهر:

قهر با انتخابات به نفع هیچکس نیست



امروز جمع شدیم تا انتخاباتی پر شور داشته باشیم. انتخابات عرصه و مؤلفه‌های مردم سالاری‌ست، اما چه انتخاباتی، انتخاباتی به معنای وسیع مردم سالاری.

اگر به گذشته مراجعه کنیم هرگاه ترجمه‌ای درست برای مردم داشتیم حضور حماسی بوده، امروز سوسویی امید در این انتخابات داریم.

هر کسی نگرانی خود را ابراز کرده است. مملکت بیمار است. بیکاری، تورم، فقر و فلاکت و فرار مغزها.

هر کس گفت می توانم در این مدت کوتاه کاری کنم گزافه گفته، بلکه اصلاحات فرآیندی ست که به تدریج اتفاق می افتد.

خاضعانه از شما درخواست دارم که دغدغه دارید، همه‌ی اندیشمندان به این نتیجه رسیده اند که قهر با انتخابات به نفع هیچکس نیست.

امیدواریم که حضور و امنیت انتخابات را شاهد باشیم.

همانطور که دکتر پزشکیان گفتند، هر ایرانی یک ستاد، منتظر کسی نشوید، ایران فردا را رقم بزنیم.

محمد باقر سعادت نماینده پیشین مردم دشتستان در مجلس شورای اسلامی:

پزشکیان صادق و مدیر است



نماینده سابق مردم شهرستان دشتستان در مجلس شورای اسلامی اظهار کرد: بدون اغراق می گویم که او در صلابت و صداقت و مدیریت و اخلاق مداری حرف اول را می زد و به دنبال قوانینی بود که مردم را از تحریم ها نجات دهد.

محمدباقر سعادت در آیین افتتاحیه ستاد مردمی دکتر پزشکیان، گفت: اکنون وقت آن است که حرکت کنیم و با صندوق قهر نکنیم و خالی ماندن صندوق یعنی رای به افرادی که نمی خواهیم ولی خود متوجه آن نیستیم ما اصلاحات را می خواهیم نه این که دنبال براندازی باشیم و این اتفاق با ریشه‌کن کردن فساد اتفاق خواهد افتاد.

نماینده اسبق مردم شهرستان دشتستان در مجلس شورای اسلامی در خصوص دکتر پزشکیان اظهار کرد: افتخار داشتم و چهار سال در مجلس در جوارشان باشم، بدون اغراق می گویم که او در صلابت و صداقت و مدیریت و اخلاق‌مداری حرف اول را می زد و به دنبال قوانینی بود که مردم را از تحریم ها نجات دهد. محمدباقر سعادت افزود: دکتر پزشکیان هرگز دنبال منافع شخصی یا برای دوستانش نبود بلکه همیشه به دنبال منافع ملی بود، به صراحت می شود گفت اگر کسی بتواند سامانی به مملکت دهد دکتر پزشکیان خواهد بود.

مگر رئیس جمهور چه کاره است؟



چرا در انتخابات شرکت می‌کنم و چرا به پزشکیان رأی می‌دهم؟ سه علت عقلی و یک دلیل مرامی عصر ایران؛ جعفر محمدی – بعضی از دوستان مان که گلایه های جدی و به حقی دارند، می گویند رأی نمی دهیم و ۲ دلیل اصلی می آورند:

۱ – با عدم مشارکت، پیام مان را به حاکمیت می‌رسانیم.

۲ – مگر رئیس جمهور چه کاره است؟ او یک تدارکاتچی بیش نیست.

می‌خواهم همان گونه که دیدگاه این عزیزان را نوشتم، بخشی از دلایلم برای رای دادن را به اشتراک بگذارم و نهایتاً قضاوت را نه به تعصب، که به خرد و عقل مان واگذار کنیم و هر کدام مان با احترام به تصمیم دیگری، کاری را که فکر می کنیم برای ایران مان درست تر است انجام دهیم.

۱.من با این گزاره موافقم که رأی ندادن نیز همانند رأی دادن، دارای بار معنایی است و گاهی می توان با عدم مشارکت در یک انتخابات، به یک حاکمیت پیام داد.

نمونه بارز و نزدیک آن، همین انتخابات اخیر مجلس است که مشارکت به پایین ترین حد خود رسید و حتی در مرحله دوم در تهران تنها ۸ درصد در انتخابات شرکت کردند. به باور من، این که اکثریت، بی آن که بخشی از یک برنامه حزبی باشند و بی آن که هماهنگی های مرسوم سیاسی کرده باشند، با یک خرد جمعی، چنین کنشی را نشان دادند، پیامی بزرگ به حاکمیت منتقل کردند.

اما این پیام چگونه شکل گرفت و منتقل شد؟ پاسخ این است: «با عدم شرکت اکثریت قابل توجهی از مردم در انتخابات».

در واقع پیام وقتی شکل گرفت که ۶۰ درصد مردم کل کشور در انتخابات حاضر نشدند و در دور دوم تهران نیز ۹۲ درصد حاضر به رأی دادن نشدند.

پس پیام عدم مشارکت، وقتی ایجاد و سپس منتقل می شود که اکثریتی مانند همان ۶۰ درصد یا ۹۲ درصد رأی ندهند و انتخابات با حضور اقلیت برگزار شود. تمام شواهد و قرائن نشان می دهد در انتخابات پیش روی ریاست جمهوری که ۸ تیر ماه برگزار می شود، بیش از نیمی از مردم شرکت می کنند و انتخابات با شرکت اکثریت برگزار خواهد شد. حال اگر این اکثریت، خیلی قوی نباشد، گزینه ای مانند سعید جلیلی یا قالیباف رئیس جمهور خواهد شد و پیام اقلیت، نه ایجاد می شود و نه طبیعتاً میرسد.

اما اگر اکثریت، قوی باشد، احتمال برنده شدن پزشکیان بالا می رود و همین انتخاب، حاوی همان پیامی می شود که باید به حاکمیت منتقل شود.پس دادن پیام از طریق عدم مشارکت، زمانی رخ می دهد که عدم مشارکت، مطلق باشد در حالی که در انتخابات ۸ تیر، مشارکت بالای ۵۰ درصد خواهد بود و شرکت نکننده ها، نه تنها پیامی نمی دهند بلکه مجبور خواهند بود ۴ یا ۸ سال،پیام های جلیلی یا قالیباف را دریافت کنند!

۲. این که کسی انتظار داشته باشد رئیس جمهور بتواند تغییرات ساختاری در نظام حکومتی بدهد، نابخردانه است ولی این که بگوییم رئیس جمهور هیچ تاثیری در زندگی روزمره مان ندارد هم حرف نادرستی است.

به جای فلسفه بافی پیشنهاد می کنم دوره های ریاست جمهوری خاتمی، احمدی نژاد، روحانی و رئیسی را با هم مقایسه کنیم. همه این دوره ها، در چارچوب همین نظام حاکم شکل گرفتند ولی آیا روزگار ما در همه شان یکی بود؟ آیا دوران خاتمی با متوسط تورم ۱۵ درصدی و رشد اقتصادی دو رقمی یا دورانی که برجام اجرا شد با تورم ۹ درصدی و تثبیت نرخ ارز با دورانی که تورم ۴۵ درصدی را تجربه می کنیم یکی است؟

یا گشت ارشادی که در دوران روحانی بیشتر حالت سمبلیک داشت با گشت ارشادی که ماجرای مهسا امینی را رقم زد یکی بود؟

اینترنت رو به رشد دولت قبل با وضعیت اسفناک اینترنت کنونی که هر روز مردم را می آزارد قابل قیاس است؟

بله! خاتمی و احمدی نژاد و روحانی و رئیسی، هیچکدام تغییرات ساختاری ایجاد نکردند ولی قابل انکار نیست که هر کدام از ما، در هر کدام از آن دوره ها، زندگی های متفاوتی از نظر اقتصادی و آزادی های اجتماعی و سیاسی داشتیم.

الان هم همین است، نه جلیلی و قالیباف، تغییرات بنیادین در کشور رقم خواهند زد و نه پزشکیان. ولی هر کسی تایید می کند که کشوری که جلیلی یا قالیباف رئیس جمهورش باشند، متفاوت تر از کشوری است که پزشکیان رئیس جمهور آن است و این تفاوت، یعنی تفاوت های جدی در زندگی های شخصی و خانوادگی و کاری هر کدام از ما.

بعد از تحریر: روزی که لباس شخصی ها به دانشگاه تبریز حمله کردند، پزشکیان، رئیس دانشگاه علوم پزشکی تبریز بود و در حمایت از دانشجویان، مقابل مهاجمان ایستاد و کتک خورد و زخمی هم شد.

در همان دوران، رکورد احداث خانه های بهداشت در مناطق محروم را شکست و به حدی موفق بود که برای حضور در دولت از او دعوت کردند.

در سال هایی نیز که وزیر بهداشت دولت خاتمی بود هم برخلاف خیلی از مدیران که تا به جایی می رسند انواع امتیازات را برای خود و اطرافیانشان می گیرند، حتی امتیاز مطب هم نگرفت و تمام دوران پزشکی اش را در بیمارستان های دولتی طبابت کرد و ریالی از هیچ بیماری نگرفت و به حقوق بیمارستان بسنده کرد.

در تمام سال هایی هم که اصولگرایان اکثریت مجلس را در اختیار داشته اند، او از معدود نمایندگانی بود که در برابر آنها ایستاد و صدای مردم بود: از ماجراهای سال ۸۸ تا حوادث ۱۴۰۱.

بنابراین او در زمانی که می توانست در سمت عافیت طلبی بایستد و دنبال نفع شخصی باشد، سمت مردم ایستاد و هزینه داد و فقط به همین دلیل است که حرف های امروزش باور پذیر است و الا من هم می گفتم برای کسب رأی چنین می گوید.

حالا که او سال ها سمت مردم بوده، از منظر مرام و معرفت می گوییم که حالا هم نوبت ماست که به اندازه دادن یک رأی که کاری سهل برای ماست، ما هم سمت او باشیم و تنهایش نگذاریم و مشوق دیگران باشیم که آنها هم سمت مردم بایستند؛ همین!

پورفاطمی، رئیس ستاد مردمی دکتر پزشکیان در استان بوشهر:

پزشکیان کارآمد و صادق است



رئیس ستاد مردمی دکتر پزشکیان در استان بوشهر در آیین افتتاحیه این ستاد گفت: باید افراد علاقمند به آبادانی کشور پای صندوق‌ها بیایند وگرنه افرادی برای حکمرانی می‌آیند که نباید بیایند. وی گفت: در ادوار گذشته مردم استان بوشهر به خصوص ساحل‌نشینان بارها یا سالی پنج بار به دُبی می رفتند مردم در بخش‌های ساحلی در گذشته شاداب بودند اما اکنون اینگونه نیست؛ چون کار و کاسبی ساحل‌نشین‌ها خوابیده است. قسمتی از فارس، هرمزگان و سیستان و بوشهر کارشان با دریاست اگر با دریا کار نکنند پس چه کار کنند؟ باید حداقل به این وضعیت رسیدگی شود.

نماینده پیشین تنگستان و دشتی در مجلس شورای اسلامی بیان کرد: من ۳ دوره ۴ ساله مستقیم با پزشکیان کار کرده ام. او فردی امتحان پس داده و کار آمد است. صادق است و حرفی که می‌زند اعتقادی است، او اهل تعارف نیست.

سید محمدمهدی پور فاطمی افزود: شهید رییسی ۴ بار به استان سفر کرد اما کسی نبود که به ایشان بگوید که سالی یک سفر به لنجی چه مشکلاتی برای مردم به وجود آورده است. وی اظهار کرد: اگر پزشکیان رییس جمهور شود باید به استاندار اختیارات لازم را بدهد تا بتواند تصمیم مناسبی در خصوص ته لنجی بگیرد./ اتحاد خبر

مرگ شهردار بندر ریگ در آتش سوزی



محمد حجی شهردار بندر ریگ در اثر حادثه آتش سوزی منزل شخصی دارفانی را وداع گفت.

به گزارش خلیج فارس، این حادثه بامداد جمعه (۱ تیر) رخ داده است. حجی از سال ۱۴۰۰ توسط شورای شهر ریگ (شهرستان گناوه) به عنوان شهردار انتخاب شد. رئیس اورژانس استان بوشهر حادثه رخ داده را ناشی از انفجار کپسول گاز و به دنبال آن آتش سوزی اعلام کرد.

دکتر سیدحسین موسوی گفت: در صبح روز جمعه طی تماس با اورژانس مبنی بر انفجار کپسول و آتش سوزی در یک واحد مسکونی در باغ زهرا بوشهر، تیم عملیاتی اورژانس بلافاصله به محل حادثه اعزام شدند. پس از ارزیابی صحنه توسط همکاران عملیاتی اورژانس در محل حادثه مشخص شد که دو نفر بر اثر انفجار کپسول گاز و بدنبال آن آتش سوزی، دچار حادثه شدند.

دکتر موسوی ادامه داد: در این حادثه متاسفانه آقای ۴۰ ساله (محمد حجی) براثر شدت سوختگی و آسیب زیاد در صحنه فوت شده بوده و یک آقای ۶۷ ساله نیز که دچار خفگی شده بوده پس از انجام اقدامات لازم به بیمارستان انتقال داده شد.

برای ایران

مصطفی خرمی



در سایه‌ی آفتابی که بر آب و خاک ایران تابیده، سروقامتانی از این سرزمین با دلی پر از عشق و وفاداری در این خاک جوانه زده اند، رشد کرده‌اند و در خون خود غلتیده‌اند تا ایران بماند. مادران این سرزمین در دامان پرمهر خود قصه‌ها و افسانه‌های پاکی، نجابت، وفاداری و ایران دوستی را در گوش فرزندانشان نجوا کرده‌اند تا شب را به صبح برسانند. آنها روایتگر خاطرات تلخ و شیرین، سبز شدن‌ها و سوختن‌های بسیاری در طول تاریخ بوده اند.

و امروز این سرزمین که همواره در مرز بین تاریخ و آینده قرار گرفته است، به انسان‌هایی نیاز دارد که با اراده و ایمان، به سوی روشنایی و پیشرفت حرکت می کنند. انسان‌هایی که همچون پرنده ای آزاد، بر آسمان این سرزمین پرواز کند و فرا رسیدن روزهای روشن و زیبا را به همه ما نوید دهد.

همای سعادت این سرزمین در این سفر چالش‌ها و موانع بسیاری در پیش روی خود می بیند!

تحریم‌ها و فشارهای بین‌المللی، تورم و نوسانات اقتصادی، بیکاری و کمبود فرصت‌های شغلی، فساد در ساختار اقتصادی، سیاسی و اداری، نهادهای موازی، گروه های فشار، نارضایتی‌های اجتماعی و اعتراضات مردمی، مشکلات محیط زیستی و آلودگی هوا، مدیریت نادرست و عدم دسترسی به منابع آب کافی، نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی، عقب افتادگی از قافله فناوری و نوآوری، بحران مسکن، مشکلات در حوزه حقوق بشر و قطعنامه های جامعه جهانی، بهره وری پایین در حوزه کشاورزی و هدر رفت منابع طبیعی و... که با همدلی، همبستگی و تغییر نگاه به مقوله توسعه می‌توان امیدوار بود که بخشی از این موانع سخت را پشت سر گذاشت و آرامش نسبی را به جامعه برگرداند.

باید به یاد داشته باشیم در این مسیر پر پیچ و خم هر یک از ما می‌تواند به عنوان تکه پارچه‌های رنگارنگ در کنار هم قرار گیرید و زیبایی و تنوع را در تاریخ این سرزمین با رنگ و بویی تازه ثبت نماید و جرعه‌ای هوای تازه را در ریه های نیمه جان این خانه بدمد.

بنابراین، امروز با تنی خسته و قلبی پر امید برای ایران به صحنه می‌آییم برای این سرزمین کهن، رای می‌دهیم. رایی که پیام روشن ما برای تغییر به سوی پیشرفت، صلح و انسجام ملی و بین‌المللی خواهد بود. امیدواریم با همت و تلاش همگانی، نگاهی نو بر مسند بنشیند و ایران به عنوان یک نمونه‌ی درخشان از توانمندی و انسانیت، در دنیای امروز و فردا هویت اصیل خود را بازیابد.

با امید به روزی که همه ما، با مهربانی و خردمندی، به سوی آینده‌ای بهتر برای ایران و ایرانیان پیشروی کنیم.



انتخابات و تمنای طبقه متوسط

سجاد بهزادی

انتخابات چهاردهم برای بخشی از جامعه متفاوت‌تر خواهد بود. تقریبا برای بسیاری از آن‌ها نامزد مطلوب وجود دارد. اما مشکل در جایی دیگر نهفته است. بنظر می رسد بخش بزرگی از طبقه متوسط جامعه ایران که جماعت انبوهی را در بر می گیرد، برای رای دادن اراده و انگیزه ای ندارند و همچنان مردد هستند. نظام حکم رانی برای رسیدن به اهداف خود طی سال‌های گذشته با طبقه متوسط، گرفتار یک پارادوکس جدی بوده است. سیاست گذاری‌ها به گونه‌ای پایه‌ریزی می‌شود که از طرفی معیشت این طبقه به شدت تحت تاثیر قرار می گیرد و از طرفی حاکمیت برای حل مشکلات خود بارها این طبقه را صدا زده است. تمنای حاکمیت برای جلب طبقه متوسط در مواردی هم موفقیت آمیز بوده است. در آستانه انتخابات چهاردهم ریاست جمهوری، بار دیگر طبقه متوسط را نشانه رفته اند. اصلاح طلبان که در مستی یک نامزد تایید شده، خود را امیدوار به پیروزی می بینند، از طبقه متوسط می خواهند که به پای صندوق های رای بیایند. طبقه متوسط با همه سیاهی روزگاری که بر او رفته است برای این وضعیت پیش آمده دو نگرانی دارد: نگرانی نخست؛ نگرانی از سراب:

بخشی از طبقه متوسط و تحول خواه جامعه ایران، نگران این است که تایید نامزد مدنظرشان، تنها یک سراب باشد. دانه پاشی باشد برای دامی بزرگ‌تر. آن‌ها اعتقاد دارند سیستم می‌خواهد با این تایید مهندسی شده، مشارکت حداقلی را ترمیم کند و تنور انتخابات را کمی گرم نگه دارد.

احمد زیدآبادی، فعال سیاسی می گوید: "ما الان نمی‌دانیم منظور چیست. برای همین من می گویم باید در ابتدا کشف کنیم که دکتر پزشکیان برای چه تایید شده است؟ تایید شده که یک بخشی را به انتخابات بکشند... من احساس می کنم اگر بخشی از مردم احساس کنند که این کلاه گذاری است، خیلی حس تحقیر به آن‌ها دست می‌دهد و در واکنش به این موضوع، در انتخابات شرکت نخواهند کرد، اما یک تعداد دیگر ممکن است بگویند نوعی صحنه‌آرایی کردند که فلانی را دربیاورند و ما می‌خواهیم بازی را به‌هم بزنیم."

نگرانی دوم: ساختار معیوب و بر زمین ماندن شعارها: عده ای اعتقاد دارند ساختارها در جامعه ایران، بیش از هر زمان دیگری بسته و تمامیت خواه شده است. طبقه متوسط در این ساختار، به این فکر می کند که حتی اگرمهندسی انتخابات استدلال درستی نباشد و نامزد مورد نظر آن‌ها رای هم بیاورد، دیگر نمی‌تواند به شعارهایش عمل کند. آن‌ها می پرسند؛ ساختار پیش رو که سخن از برجام و گفتگو با کدخدا، برایش خط قرمز شده است با چه برنامه و الگویی می خواهد اقتصاد طبقه متوسط را به او برگرداند؟ ساختاری که تندروها در لایه لایه های آن حضوری قدرتمند دارند، رئیس جمهورش با چه برنامه و الگویی می خواهد آزادی‌های اجتماعی را به طبقه متوسط برگرداند؟ رئیس جمهور چگونه می خواهد در این ساختار پیش رو اعتبار و منزلت طبقه متوسط را به او برگرداند و این طبقه را برای بهبود کیفیت حکم‌رانی در تغییرات نهادی شریک کند؟

نتیجه: امروز هیچ نامزد انتخاباتی و هیچ رئیس جمهوری نمی‌تواند از توسعه بدون حضور و مشارکت طبقه متوسط سخن بگوید. هر چه جوامع به سمت توسعه بیشتری حرکت کرده اند، نقش طبقه متوسط هم در آن جوامع پررنگ‌تر بوده است. این طبقه عامل پیش برنده توسعه و نظم اجتماعی و حضور در عرصه های عمومی است. مگر می‌شود حوزه عمومی را از طبقه متوسط خالی کرد و بعد شعار نشاط و توسعه داد. نگرانی های طبقه متوسط جدی است. حالا که در آستانه انتخابات دوباره در تمنای حضور این طبقه هستید، برای صدا زدن طبقه متوسط، لطفا پر توقع نباشید و کمی آرام‌تر تمنای رای دادن کنید. نامزدها تنها اگر به نگرانی های طبقه متوسط پاسخ قانع کننده دهند می توانند از آرای این طبقه نیز برخوردار باشند. شما این بار با طبقه‌ای از جامعه صحبت می کنید که نه تنها یارانه بگیر دولت ها شده، بلکه احساس می کند از منزلت نیز افتاده است. بر اساس داده‌های پایگاه اطلاعات رفاهی ایرانیان در فروردین ماه سال گذشته، ۹۳ درصد خانوارهای ایرانی، یارانه‌بگیر بودند که از این میزان، ۳۵ درصد فقیر، ۵۷ درصد جزءِ طبقه متوسط و ۸ درصد از طبقه برخوردار و ثروتمند محسوب می‌شدند. این آمار نشان می‌دهد که به دنبال بحران‌های اقتصادی در یک دهه اخیر، طبقه متوسط جامعه نیز به سوی فقیر شدن سوق داده شده و برای یک زیست معمولی نیازشان به یارانه‌هاست. در آستانه انتخابات چهاردهم، طبقه متوسط بخش مهمی از قشر خاکستری جامعه ایران را تشکیل می‌دهند. بنظر می‌رسد نامزد اصلاح طلبان بیش از هر نامزد دیگر برای پیروزی، به آرای قشر خاکستری (طبقه متوسط) نیازمند باشد. تجربه نیز نشان می دهد علقه‌ها و جنس مطالبات این قشر از جامعه نیز، به نامزد اصلاح‌طلبان نزدیک تر از جریان ها و گروه‌های دیگر باشد. تنگناهای اقتصادی از یک سو و از بین رفتن آزادی‌های سیاسی و منزلت اجتماعی از سوی دیگر، کار جبهه اصلاحات را برای اعتمادسازی دوباره به حضور طبقه متوسط در میدان انتخابات پیش رو سخت‌تر از همیشه کرده است. از جهتی انتخابات چهاردهم ریاست‌جمهوری آزمونی سخت نیز برای طبقه متوسط است. اگر این طبقه با داشتن نامزد اصلاحات، باز هم ترجیح دهد کناری بنشیند و تماشاگر وضعیت فلاکت بار خود باشد و سکوت را بر مشارکت مقدم بداند، باید منتظر روزهایی سخت‌تر و انزوایی دردناک تر از امروز باشد./ عصر ایران



زندگی آگاهانه

ده استفاده با ارزش از زمان

حسین زیرراهی–مدرس مهارتهای توسعه فردی



ریچارد کچ در کتاب قانون هشتاد بیست فهرستی از ده استفاده کم‌ارزش و ده استفاده باارزش زمان ارائه کرده است. در مقاله قبل به ده استفاده کم‌ارزش از زمان پرداختیم. این هفته می‌خواهیم ده استفاده باارزش از زمان را مرور کنیم. با این توضیح که هدف، بهبود تدریجی و افزایش چنین استفاده‌هایی است. قطعا هیچ کس همیشه نمی‌تواند فقط کارهای با ارزش زمانی بالا انجام دهد و در هر صورت زمان‌های تلف شده در زندگی خواهیم داشت.

۱. کارهایی که هدف کلی شما در زندگی را به پیش می‌برد. قبولی در دانشگاه، رسیدن به جایگاه شغلی مناسب، راه‌اندازی کسب و کار، تبدیل شدن به هنرمندی با کیفیت و هر هدفی که به نوعی بخش بزرگی از زندگی ما را پوشش می‌دهد از این دست است. وقتی کارهایی انجام می‌دهیم که کمک می کند به این اهداف برسیم در واقع داریم از زمان استفاده با ارزش می کنیم.

۲. کارهایی که همیشه می‌خواستید انجام دهید. این‌ها می‌تواند آرزوها، آمال و کارهایی روی زمین مانده قدیمی شما باشد. این‌که همیشه می‌خواسته‌اید آن‌ها را انجام دهید نشان از ارزشمند بودن آن است.

۳. کارهایی که رابطه هشتاد / بیست نسبت زمان به نتایج در موردشان صدق می کند. کاری که بیست درصد وقت از شما می‌گیرد و به اندازه هشتاد درصد نتیجه می‌دهد قطعا استفاده با ارزش از زمان به حساب می‌آید.

۴. شیوه‌های ابتکاری انجام کار سریع‌تر و با کیفیت‌تر. اگر در کار خود ترفندهایی بلد هستید که سرعت و کیفیت کار را بالا می‌برد یعنی دارید بهتر از دیگران عمل می کنید.

۵. کارهایی که دیگران به شما می‌گویند انجام‌شدنی نیست. این یعنی رفتن به جنگ مسائلی که دیگران از حل آن عاجزند. عبور از موانعی که وقت زیادی از دیگران گرفته است ولی به نتیجه نرسیده‌اند.

۶. کارهایی که دیگران در حوزه‌های دیگر با موفقیت انجام داده‌اند. الگوبرداری از روش‌های موفق در زمینه‌های دیگر و انجام آن در زمینه کاری خود هم نمونه خلاقیت و استفاده باارزش از زمان است.

۷. کارهایی که از خلاقیت شما استفاده می کند. استفاده از شیوه‌های خلاقانه هم باعث کاهش زمان انجام کار می‌شود.

۸. کارهایی که می‌توانید دیگران را متقاعد کنید برایتان انجام دهند و خودتان نیز تلاش نسبتا کمی برای آن صرف کنید. قاعده برون‌سپاری این است که فقط کارهایی که در تخصص‌تان است را انجام دهید و بقیه را به دیگران بسپارید.

۹. کارهایی که توسط همکاران با کفایت انجام می‌شود و از قاعده هشتاد / بیست پیشی گرفته و از وقت خود به طور موثر و غیرمتعارفی استفاده می کنند.

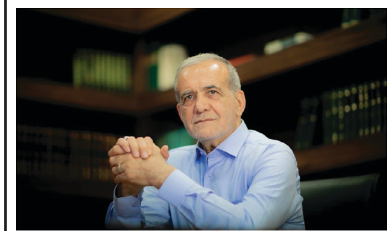
۱۰. کارهایی که یا باید همین حالا انجام شود یا هیچ‌وقت. این‌ها فرصت‌هایی است که یک‌بار در عمر پیش می‌آید و اگر استفاده نکنیم دیگر تکرار نخواهد شد. انجام این کارها جهش بزرگی در زندگی ما رقم خواهد زد.

در پایان با این دو سوال می‌توانید مشخص کنید از زمان استفاده با ارزش می کنید یا نه:

- آیا این استفاده‌ای غیرمتعارف است؟
- آیا تضمین کننده چند برابر شدن اثربخشی است؟

انتخاب پزشکیان؛ فرصتی برای آشتی ملی

امین ساجدی



حضور پزشکیان در این دوره فرصتی برای آشتی اقوام؛ آشتی ملی و خروج از بحران است.
با حضور یک نامزد مقتدر و ملی گرا تا حد زیادی مردم در تکاپوی بدست آوردن مطالبات ناامید شده خود خواهند بود.
از نظر من شاید دکتر پزشکیان پدیده این انتخابات تلقی شود و بتواند به گونه‌ای عمل کند که نظر اکثریت خاموش را جلب کند و به او رای دهند.
مسعود پزشکیان شانس اول انتخابات پیش روست. نداشتن رای منفی، حمایت از محرومان، مخالفت با سخت گیری‌های فرهنگی و اجتماعی و در سمت مقابل جبهه یک‌دست رقبایی که مسببین وضع موجود هستند، از پزشکیان شانس اول انتخابات پیش رو را می سازد.
مهم‌ترین برنامه‌های دکتر پزشکیان بازگرداندن معیشت و معاش مردم به یک سطح قابل قبول است که حق مردم ایران بوده و سزاوار آن هستند. این خود به خود می‌تواند اعتماد از دست رفته مردم را برگرداند و آن‌ها را پای صندوق‌های رای بیاورد.
با ویژگی‌هایی که از دکتر پزشکیان در صداقت و عدالت محور بودن می‌شناسیم، امیدواریم که اعتماد مردم برگردد و با حضور پای صندوق‌های رای، شاهد تغییر سرنوشت خود باشند.
و امیدواریم با یک رقابت جدی و سالم جناب دکتر پزشکیان راهی پاستور شود.

این سخن پزشکیان یک طرف، همه مناظره‌ها یک طرف: «یا جای خدا نشسته‌اید یا جای مردم!»

مسعود پزشکیان، از معدود سیاستمداران ایرانی مأنوس با نهج‌البلاغه حضرت علی علیه‌السلام است. از این رو، اشاره‌ای می کنیم به سخنی از مولا که فرمودند: "خیر الکلام، ما قلّ و دلّ" (بهترین کلام آن است که مختصر و مفید باشد).
در مناظره سوم، پزشکیان سخنی گفت که مصداق بارز این روایت است؛ آن‌جا که زاکانی به او گفت: "من نمی‌گذارم تو رئیس‌جمهور شوی" و پزشکیان پاسخ داد که با این حرف، "یا جای خدا نشسته ای یا جای مردم!"
به جرأت می توان گفت که تمام حرف‌های گفته شده در این مناظره و بلکه همه مناظره‌ها توسط همه کاندیداها و از جمله خود پزشکیان یک طرف و این سخن او یک طرف و اگر تا انتخابات نیز حرفی دیگر نگوید حرجی نیست چرا که همه سخن را در یک جمله مختصر و مفید بیان کرده است.
این، ام‌المصائب ایران و ریشه همه دردهای مردم ایران است که گروهی خود را یا جای خدا می‌پندارند یا جای مردم و با این توهم، خود را مالک سرنوشت مردم ایران می‌دانند و محق و مختار برای هرگونه تصمیم گیری برای آن‌ها!
حل مشکلات این سرزمین نیز دقیقاً از همان جایی شروع خواهد شد که اینان سر جای خود بنشینند و نه جای خدا و نه جای مردم ؛ و آن گاه ایران، نفسی تازه خواهد کرد./ عصر ایران

انتخابات ریاست جمهوری؛ فرصتی برای تغییر وضع موجود

فاطمه مساوات



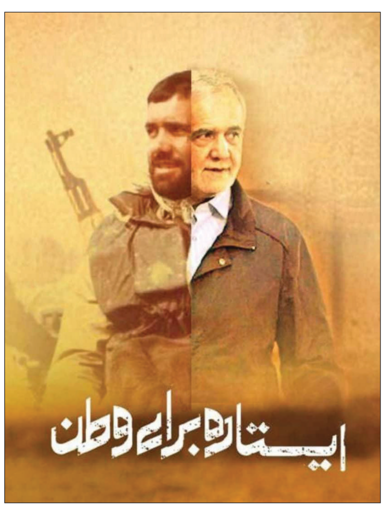
امیدوارم به عنوان یک شهروند ایرانی به موقعیت پیش آمده انتخابات ریاست جمهوری به عنوان یک فرصت برای تغییر وضع موجود دقت داشته باشید.
شرایط موجود که ناشی از قهر اکثریت مردم ایران در انتخابات‌های گذشته می‌باشد باعث تسلط اقتدارگرایان و زیاده‌خواهی آنان شده است. اما متاسفانه هنوز عده زیادی برای رای دادن دچار تردید هستند، در شرایطی که تنها راه حل موجود سهم‌خواهی از حاکمیت برای واگذاری قسمتی از قدرت در اختیار تفکری متفاوت می‌باشد. در حال حاضر فقط یکی از کاندیداها هست که با سایر کاندیداها در روش و منش و سابقه متفاوت هست و شاید انتقال قدرت در قوه مجریه، مفری برای تعدیل شرایط موجود باشد.
پزشکیان به شهادت همه، فرد پاکدست و شجاع و تحصیلکرده‌ای بدون استفاده از رانت می‌باشد که سابقه درخشانی دارد و الحمدالله با شجاعت بی‌نظیری که دارند، در همه موقعیت‌های اجتماعی بدون هیچ ملاحظه‌ای، نظرات واضح و صریح خودشان را در حمایت از مردم ابراز کرده است.
از طرفی با پرهیز از فریبکاری و قول وعده‌های دروغین معتقد به بکارگیری و اجرای قوانین هست. دلیل بسیاری از معضلات موجود را ضعف و ناتوانی و عدم پاسخگویی مسوولین موجود می‌داند. ایشان که سخت به تخصص و شایسته سالاری اعتقاد دارد بکارگیری افراد صالح و نخبه و صاحب صلاحیت را یکی از دلایل اصلی پیشرفت می‌داند. هم کارنامه وزارت بهداشت دولت اصلاحات را در سابقه‌ی خود دارد و هم این‌که سال‌ها در کمیسیون بهداشت مجلس بوده و به زیر و بم قوانین حوزه سلامت اشراف دارد و از این جهت می‌تواند باعث ضمانت، توسعه و بهبود این حوزه باشند.
به هرحال آن‌چه انتظار است این‌که به دور از احساسات و با رصد کردن نظرات افراد صاحب‌نظر، از این موقعیت به نحوی استفاده کنیم که بعد با تبعات عدم شرکت‌مان تاوان های زیادی را مجبور نباشیم پرداخت کنیم.
عدم شرکت ما در انتخابات به منزله واگذاری تمامیت قدرت به یک طرز فکر می‌باشد که باعث اقتدارگرایی بیشتر آنان و فشار به بقیه سلایق و طرز فکرها می‌باشد. به امید روزهای بهتر برای مردمان خوب سرزمین‌مان...

اعتماد به پزشکیان ، اعتماد به یک گفتمان است

بهرام نکیسا - محمد باقر عباسی سملی

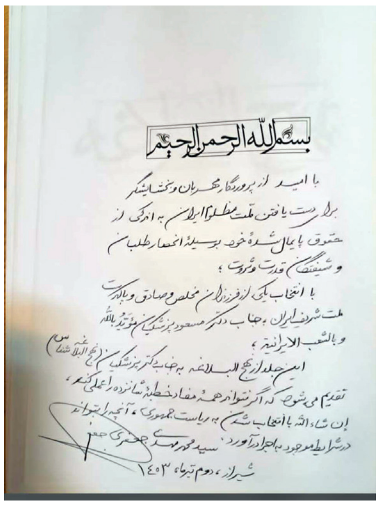
ای هموطنان وقت سرافرازی هاست
وقت یاری به وطن موسوم همکاری هاست.

اعتماد به جناب آقای دکتر پزشکیان ، اعتماد به فرد نیست ، اعتماد به یک گفتمان است.
گفتمان بی نظیر قرآن و نهج‌البلاغه ، گفتمان خدا باوری، وطن دوستی و انسان دوستی است.
اگر امروز هر علاقمند به ایران، انصاف، راستگویی و خدمت صادقانه به ملت و کشور رأی به آقای دکتر پزشکیان را پیشنهاد می نماید، از آن منظر است که سخنان و نظرات ایشان گفتمان کرامت انسانی است.
اخلاقمداری، پاک زیستی و پاک دستی گمشده عرصه مدیریت کشور است. سوابق کاری و رفتاری شخص آقای پزشکیان گویای این مهم است که ایشان تاکنون مدیری مدبر، راستگو ، پاک دست و ساده زیست بوده و مخالف اژدهای هفت سر فساد در کشور است.
رأی قاطع به جناب آقای دکتر مسعود پزشکیان این فرزند غیور ایران بزرگ، موجب پیشگیری از تداوم افراط گرایی و اصلاح روندهای ناصحیح در اداره امور کشور می گردد.
رأی به دکتر پزشکیان طرح پیامی نو از جانب ملت ایران در عرصه بین‌المللی است .
بر مبنای آنچه که آقای دکتر پزشکیان تاکنون با شما مردم شریف و بزرگوار با زبان صدق سخن گفته است، امیدواریم که با رأی بالای به ایشان زمینه مبارزه با فساد، رانت خواری و دروغ گویی در جامعه بویژه خواص هموار ، و بساط سفره ها و لقمه های حرام جمع گردد .



رأی به دکتر پزشکیان رأی به عدالت که از اصول اساسی حکمرانی فرهنگ اسلامی‌ست، می باشد.
بر هیچ کس پوشیده نیست که انتخابات رقم زننده سرنوشت تک تک افراد جامعه و ایران عزیز است.
خواهشمند است در کنار ستادهای ثابت تبلیغات انتخاباتی دکتر پزشکیان تا فرصت باقی است هر فرد خود نقش یک ستاد سیار را برای موفقیت ایشان در سطح جامعه بر عهده گیرد .
با آرزوی سربلندی و موفقیت ملت بزرگ و شریف ایران عزیز.

حمایت استاد دکترسیدمحمدمهدی جعفری، نهج‌البلاغه‌پژوه برجسته، و اولین نماینده دشتستان در مجلس شورای اسلامی، از مسعود پزشکیان



بسم الله الرحمن الرحیم

با امید از پروردگار مهربان و بخشایشگر
برای دست یافتن ملت مظلوم ایران به اندکی از
حقوق پایمال شده خود بوسیلهٔ انحصار طلبان
و شیفتگان قدرت و ثروت ؛
با انتخاب یکی از فرزندان مخلص و صادق و پاک
ملت شریف ایران ، جناب دکتر مسعود پزشکیان مؤیّد بالله
و بالشعب الایرانیه ؛
این جلد از نهج البلاغه به جناب دکتر پزشکیان (نهج البلاغه شناس)
تقدیم می‌شود که اگر نتواند همهٔ مفاد خطبهٔ شانزده را عملی کند ،
ان شاء الله با انتخاب شدن به ریاست جمهوری ، آنچه را بتواند
در شرایط موجود به اجرا در آورد . سید محمد مهدی جعفری
شیراز ، دوم تیرماه ۱۴۰۳

حرکت از نگاه آرمانی به باور واقع گرایانه

حبیب تنگستانی



استمرار مشروطه خواهی ما از مشروطه خواهان سیاسی به محمد مصدق، علی شریعتی، محمد خاتمی، مهدی کروبی، میرحسین موسوی، اکبر هاشمی، حسن روحانی و اکنون مسعود پزشکیان رسیده است...
وقتی به اسامی و سیر تغییر وجه اسطوره‌ای آن‌ها می‌نگریم متوجه می‌شویم که برای یک احساس قهرمانانه و غرورآمیز رادیکال و چپ، لیستی آن‌چنان چشم گیر نیست و هر چه از دیروز به امروز رسیده‌ایم قهرمانان‌مان کیفیت خود را از دست داده اند اما از سوی دیگر به کیفیت ما افزوده شده است. به همین دلیل از نگاه حداکثری و آرمانی به باور حداقلی و واقع گرایانه رسیده‌ایم... افت قهرمانها با اوج ما رقم خورده و این یعنی پختگی و بلوغ سیاسی و اجتماعی...
در واقع، باید باور کنیم ما دیگر شهروندان چپ پیشا دوم خرداد ۱۳۷۶ نیستیم که نگاه‌مان آرمانی، غیرواقعی و معطوف به تغییرات انقلابی باشد...
ما اکنون فراگرفته‌ایم که مطالبات‌مان را مستمر و امیدوارانه و معطوف به اعمال اراده‌ی جمعی پیگیری نماییم... روزنه‌ها برای‌مان مهم است و تمام تلاش‌مان معطوف به رسیدن به وضعیتی بهتر از پیش است، نه این‌که اتوپیایی را مد نظر داشته باشیم که رسیدن به آن تنها با رویکردی رادیکال، حداکثری و رمانتیک شکل می‌گیرد که محال بودن آن، امیدمان را کمرنگ می کند و کنش‌مان را منفعل...
ما ایرانیان امروز امیدواریم و امیدوار و امیدوار چرا که نور از مجموع شمع‌های ما، همدیگر را برای اعمال اراده‌ی جمعی گردهم می‌آورد و گفت‌وگویی را شکل می دهد تا صبح امید اندک اندک بتابد... رنگ مشکی‌مان را سبز و بنفش کردیم و امروز فیروزه‌ای و... شاید رنگین کمان پلورالیسم و آزادی از این رنگ های امیدمان آماده طلوع شود... برای تحقق شایدمان، رای باید و باید رای بدهیم...

نسیم جنوب
دوشنبه ۱۴۰۳/۴/۴ ■ شماره ۱۰۸۶

تاملی بر اندیشه‌های توسعه‌ای دکتر پزشکیان

عزیز حسینی



بدون شک اندیشه‌های دکتر پزشکیان در چارچوب توسعه‌یافتگی برای یک کشور پهناوری به مانند ایران که معادل نیم درصد از ثروت جهان به میزان تقریبی دو تریلیون دلار هم سطح با کشورهایی مانند عربستان و سنگاپور را در اختیار دارد، می‌تواند نقطه عطفی با نگاه همه جانبه به این سرزمین کهن بدون غرض‌ورزی و حس ناسیونالیستی استانی و قومیتی باشد و دیدگاه فراگیر به همه ساختارهای اقتصادی بر پایه دانش و تصمیمات کارشناسی و بدون ارائه برنامه‌های کلیشه‌ای و صدها صفحه‌ای، این امید و انگیزه را در میان آگاهان به مسائل توسعه‌ای کشور ایجاد کرده که جناب آقای دکتر پزشکیان می‌تواند با بهره گیری از تجارب سال‌ها نمایندگی در مجلس شورای اسلامی و دولت‌های گذشته، نقاط تاریک اقتصاد بیمار کشور را به روشنایی نزدیک سازد.

با یک نگاه اجمالی به سیاست‌های اقتصادی چند سال گذشته به راحتی به این ادراک خواهیم رسید که مردم ریاضت اقتصادی را هر سال شدیدتر تحمل کرده اند و در عوض بجای گسترده شدن سفره اقتصادی شان، هرروز شاهد کوچک شدن آن بوده اند.

دغدغه‌مندی خانواده‌های ایرانی نسبت به سال‌های پیش رو و سیاست‌گذاری‌های بدون حاصل اصولگرایان، باعث شده که گفتمان‌های عریض و طویل کاندیداهای این جناح سیاسی به مذاق و طبع مردم خوش نیاید و کلیت جامعه‌خواهان یک تحول اساسی در ساختار اقتصادی جامعه باشند و شاهد یک ثبات و پایداری درآمدی که بر اساس آن اقشار متوسط جامعه از جمله کارمندان، فرهنگیان، کارگران و بازنشستگان بتوانند با نگاه عدالت محور دولت ،یک برنامه ریزی برای خود و آینده فرزندانشان داشته باشند ، که به راستی این کور سوی امید با این شیوه مدیریتی که در حال حاضر با آن روبرو هستیم، چاره ساز نخواهد بود و بنابراین مردم به دنبال یک راه و تفکر جدید هستند که گره‌های کور اقتصادی جامعه را با احیای مدیریت انسانی که از علم و توانمندی دانشگاهی و با سوابق و تجربیات موفق برخوردار هستند بدست توانای دکتر پزشکیان گشوده شود و مسیر اصلی اقتصاد به مانند کشورهای حوزه خلیج‌فارس در زمینه توسعه بنادر و کشتیرانی و به طور اعم افزایش درآمد از راه صادرات تولیدات داخلی ما را به نقطه پایا پای همسایگان‌مان برساند و دروازه این کشور پرآوازه به سمت ترقی و توسعه باز گردد.

نبرد با تردید

دکتر عبدالرسول عمادی



رقابت دکتر پزشکیان در انتخابات اخیر نه با نامزدهای جریان اصول گرا و بانیان وضع موجود بلکه با تحریم انتخابات توسط اکثریت ملت است.

حضور شخصیتی چون دکتر پزشکیان در رقابت انتخاباتی اخیر آنان را که معتقدند در مقام ریاست جمهوری، خاتمی با احمدی‌نژاد از جمیع جهات برای کشور متفاوت است است متقاعد و مصمم کرد که وارد چالش انتخابات شوند اما دو دسته از مردم همچنان یا بر عدم شرکت در انتخابات پافشاری می‌کنند و یا در محیط تردید به تامل مشغولند:

یک: آنان که القائات اقتدارگرایان را در مورد بی‌تاثیری رای مردم باور کرده اند.

هر بار که ملت ایران در سال‌های ۷۶ و ۹۲ حماسه حضور آفریدند و اراده خود را در مقابل عزم مهندسان انتخابات نشان دادند اقتدارطلبان و تمامیت خواهان با طی فرایندهای چندین ساله به انواع روش های القای احساس یاس سعی در پشیمان کردن مردم از انتخاب خود کردند.

این القائات نومیدکننده که همراه با سیاه نمایی و دروغ‌پردازی و آمارسازی است به مرور ذهن این بخش از جامعه را مجاب کرده که هر کس رئیس‌جمهور شود در بر پاشن‌های که اقتدارطلبان می‌خواهند می‌چرخد در حالی که عملا این‌گونه نیست. به یقین دوران هشت ساله دولت‌های اصلاحات دوران اصلاح روندهای حکمرانی سیاسی و اقتصادی بود و پس از آن هشت سال دولت‌های معجزه هزاره سوم دوران سیاه آشفتگی و به هم ریختگی و هدم بنیان های دولت داری و حکومت گری بود.

دو: بخش دیگری از مردم که از شدت کارشکنی‌های اقتدارگرایان و مافیاهای کاسب تحریم در مسیر رای اصلاح طلبانه و تحول‌خواهانه مردم خسته شده اند و از این نبرد طولانی مدت برای به کرسی نشاندن اراده ملی به ستوه آمده اند.

سخنی با گروه اول: رای شما در ۷۶ و ۹۲ ایران را از بحران‌های بسیار بزرگی خارج کرد و کشور را در مسیر درست اصلاح و بهبود قرار داد. نباید گفت که از رای به خاتمی و روحانی چه نتیجه ای حاصل شد؟

نتایج بسیار درخشان بوده است نه تنها شاخص‌ها در این باره به روشنی می گویند که به زندگی و قدرت خرید خود در آن سال ها بنگرید و آن را به ویژه با حکومت یک‌دست این سه سال اخیر مقایسه کنید.

سخنی با گروه دوم: عرصه سیاست عرصه افت و خیز و پیروزی و شکست است و در این‌نبرد طولانی و زمان بر آن‌چه در نهایت پیروز است اراده ملت است به شرط این که این اراده محکم و استوار بماند و سستی نپذیرد.

اذا الشعب یوما اراد الحیات
فلابد ان یستجیب القدر

تقدیر ناگزیر از همراهی با ملتی است که اراده کرده آزاد زندگی کند.

امروز نجات ایران در گرو غلبه اکثریت ملت بر تردید خود در این سرنوشت‌سازترین انتخابات است. ما چند روز برای غلبه بر تردید و رای به مسعود پزشکیان و پیروزی در این نبرد فرصت داریم.

انتخاب با دلی پر از امید و نگاهی به فردا

عبدالرسول رضایی

در این بزنگاه تاریخی، آن‌گاه که خورشید انتخاب بر بام آسمان سیاست می‌تابد و نسیم امید، دشت اندیشه‌ها را می‌نوازد، انتخاب سیاستی که راهگشای آینده‌مان باشد، همچون انتخاب مسیر در یک سفر بزرگ است. باید به ژرفای دل‌های‌مان بنگریم و با نگاهی به دوردست‌ها، سیاستی را برگزینیم که نه تنها امروزمان را روشن کند، بلکه فرداهای‌مان را نیز به روشنایی وعده دهد.

آیا باید به سوی اصلاحات و تغییرات تدریجی گام برداریم، همچون بهاری که نویدبخش تازگی و شکوفایی است؟ یا شاید بهتر است بر پایه اصول و ارزش‌های بنیادین، همچون کوه‌هایی استوار و برافراشته، ایستادگی کنیم و با احتیاط و استواری پیش برویم؟

در این کارزار انتخاب، سیاستی را برگزینیم که صدای مردمان سرزمین‌مان را بشنود، به نیازهای‌شان پاسخ دهد و با احترام به گذشته، آینده‌ای روشن‌تر را ترسیم کند. سیاستی که هم‌زمان با نوگرایی، بر مبانی اصیل جامعه‌مان نیز پایبند باشد، چونان پلی که دو سوی زمان را به هم پیوند می‌زند.

بیایید با دلی پر از امید و نگاهی به فردا، سیاستی را انتخاب کنیم که مسیرمان را به سوی افق‌های روشن‌تر هدایت کند و راهگشای زندگی بهتر برای همگان باشد. در این انتخابات، انتخاب ما تعیین‌کننده فرداهای سرزمینمان است، پس با دقت، با عشق و با اندیشه‌ای ژرف گام برداریم.

چرا به پزشکیان رای می‌دهم!

دکتر عباس حاتمی



۱- چون پزشکیان حداقل انتظار من برای تایید صلاحیت بود و یک روزنه امید برای جمهوریت و دمکراسی است.

۲-اگر به پزشکیان رای ندهم با روی کارآمدن دولت تندرو در ایران و ترامپ در آمریکا خطر درگیری دو کشور و افزایش تحریم‌ها وجود دارد ولی سیاست خارجه پزشکیان تنش زدایی و گفتگو و لغو تحریم‌هاست.

۳-سکوت و انفعال و تماشاچی بودن هیچی را تغییر نمی دهد!

در کوبا، کره شمالی و چین که انتخاباتی وجود ندارد و حکومت هم مشروعیت ندارد مگر اتفاقی می افتد؟

۴-پزشکیان مرد عمل است و قاطعانه از حقوق ملت دفاع می کند.

۵-دولت پزشکیان اهل بگیر و ببند نخواهد بود و با فیلترینگ، برخورد تند و خشن، دانشجوی ستاره دار و.... مخالف هستند.

۶-پزشکیان صدای بی‌صدایان بوده و توجه بیشتری به معیشت مردم خواهد کرد.

بخاطر کمی احترام

روزبه کردونی

این که پزشکیان برای رای بیشتر فیلم بازی نمی کند و از هویتش و از خودش دور نمی شود، احترام برانگیز است.

در این وضعیت نامناسب، در این شرایط تبعیض‌آمیز، در این تنگناهای سخت و در این جهان نابرابر کمی احترام می‌خواهیم. می‌خواهیم به ما بی احترامی نشود چرا که بی احترامی به همان اندازه خشونت، آزاردهنده است. در بی‌احترامی ممکن است اهانتی نباشد ولی در اصل ما و همه حق‌هایی که داریم به رسمیت شناخته نمی شود.

در این عرصه فرصت‌های نابرابر، احترام گذاشتن یعنی به رسمیت شناخته شدن، دیده شدن و شنیده شدن. ریچارد سنت در کتاب تکوین منش در جهان نابرابری ها می گوید: «در فقدان احترام نمی‌توان نابرابری‌ها را کاهش داد».

این روزها گفته می شود، دکتر پزشکیان درعرصه انتخابات گفتمان متفاوتی ندارد، حرف جدیدی نمی‌زند، اتفاق مهمی در صحبت‌ها پدید نمی‌آورد، در گفتگوها و مناظره نمی درخشد، این نکات قابل تامل است.

اما واقعیت این است از صداقت او، از خودش بودن، عدم تلاشش برای کسب رای به هر قیمتی، وفاداری تحسین برانگیزش به هویتش و به شعور ما حس احترام دارم.

این که دروغ نمی گوید، این که توهم ندارد، این که خودش است احترام برانگیز است.

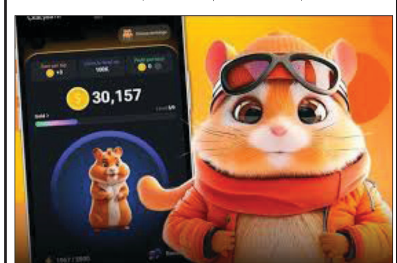
کاری به این ندارم که پزشکیان بعضی جاها می‌تواند بهتر بگوید و برنامه بدهد یا ستادش می‌تواند موثرتر باشد، امروز آن‌چه متفاوت است این است که پزشکیان با خودش بودن، با بازیگر نبودنش با دروغ نگفتنش، به خودش و مردم احترام می گذارد و من این رفتار محترمانه را دوست دارم.

حکایت گم شدن مادربزرگ

خاتون جمالی



چند وقتی بود در جمع‌های خانوادگی مادربزرگ را نمی‌دیدم، تماس‌های هر روزش، احوالپرسی‌هاش، دید و بازدیدهاش به کلی قطع شده بود.
وقتی هم زنگ می‌زدیم که مثل همیشه برای رفع دلتنگی‌هاش او را با خودمان به جاهای تفریحی ببریم، یک بهانه ای پیدا می کرد و نمی آمد.
متعجب شده بودم! محال بود مادربزرگ برای تفریح با ما بیرون نیاید.
فکر کردم شاید خاله‌ها و دایی‌ها حرفی زده و او را ناراحت کرده باشند، برای همین شروع کردم به تجسس تا شاید دلیل رنجش مادربزرگ را پیدا کنم.
لااقلش این بود که خودم برای دلجویی می رفتم و از دلش در می آوردم.
اما نتیجه این تجسس این شد که دلیل ناپدید شدن مادربزرگ، رنجیدن از کسی نیست.
علامت سوال در ذهنم ماند که چرا مادربزرگ ناپدید شده است؟
تا این‌که یک روز، که اتفاقی فیلترشکن گوشی‌موبایلم باز شد. وارد تلگرام شدم و با کمال تعجب دیدم مادربزرگم به تلگرام پیوسته است.



تمام حقایق برایم روشن شد، ناپدید شدن مادربزرگم کار همستر بود.
آری ؛ همستر هم مادربزرگ را از ما دزدیده بود و هم ما را از مادر بزرگ...
وقتی خوب بررسی کردم، دیدم خیلی چیزها رااز ما دزدیده، از همه مهمتر، تفکر، زمان و عمرمان و ما همچنان در خواب زمستانی هستیم...

انفصال از خدمت برای متخلفین استفاده از امکانات دولتی و نهادها برای تبلیغات داوطلبان ریاست جمهوری

رئیس کل دادگستری استان بوشهر در گفت‌وگو با ایرنا اظهار کرد: رسانه‌های استان در راستای تشویق مشارکت حداکثری و امیدآفرینی مردم در انتخابات گام برداشته و به امر برگزاری انتخابات سالم کمک کنند
«مهدی مهرانگیز» افزود: رسانه های استان بوشهر تابع قانون هستند و در انتخابات گذشته نیز برای مشارکت گسترده مردم از همه ظرفیت ها استفاده کردند. وی ادامه داد: در صورتی که رسانه ای هم نوا با دشمنان نظام در خارج کشور، بخواهد زمینه دلسرد کردن مردم برای شرکت در انتخابات را فراهم کند بر اساس قانون برخورد می شود.
وی عنوان کرد: ۲ تا ۶ ماه انفصال از خدمت برای متخلفین استفاده از امکانات دولتی و نهادها برای تبلیغات داوطلبان ریاست جمهوری در نظر گرفته شده که نهادهای اطلاعاتی و امنیتی اهتمام ویژه بر این موضوع دارند و در صورت اتفاق برخورد قانونی می شود.



این بیماری کی درمان می شود؟

سانسور فوتبال خارجی، اهانت مستقیم به ورزش‌دوستان

زیبا راستیان

در اوایل دهه شصت تلویزیون ملی ایران بازی‌های مهم فوتبال را بطور زنده پخش نمی کرد، گاهی با چند ساعت تاخیر و گاهی هم با چند روز تاخیر موفق به دیدن‌شان می‌شدیم. ما که در جنوب کشور زندگی می‌کردیم این امتیاز را داشتیم که بازی‌ها را از کانال‌های تلویزیون‌های کشورهای عربی به طور زنده تماشا کنیم. همین مسئله سبب شده بود که دوستان و اقوام از شهرهای دیگر برای دیدن مسابقات مهم بویژه جام جهانی و المپیک و بازی‌هایی که آن زمان جام ملت‌های اروپا و اکنون یورو کاپ نام دارد به بوشهر بیایند. اگر شانس یاری می‌کرد و شرجی هوا زیاد می شد که به راحتی می‌شد بازی را بدون خط و خش دید. اما امان از شب‌هایی که کمی وزش باد بود یا شرجی کم بود ، مجبور می شدیم کسی را به پشت بام بفرستیم و با چرخاندن آنتن از جهت کویت به قطر یا عربستان تصویر واضح تری ببینیم. بعدها با به بازار آمدن تقویت آنتن یا به عبارتی «بوستر»و آنتن گردان پیشرفته تر شدیم و برای دیدن یک مسابقه فوتبال زجر کمتری کشیدیم.
گزارش را به زبان عربی می‌شنیدیم که نامفهوم بود و فقط اسامی آشنای بازیکنان و اصطلاحات فوتبالی را متوجه می شدیم. اگر اسامی بازیکنان حروف «پ»، «چ»، «ژ» یا «گ» داشت (حروفی که در زبان عربی وجود ندارند و در تلفظ عرب زبانان تغییر شکل می دهند)، همان اسامی آشنا هم نامأنوس می‌شدند و گاهی آن‌چنان تغییر می‌کرد که باعث خنده بینندگان می شد. چندین سال طول کشید تا رسانه‌ی ملی هم بازی‌ها را خریده و نخریده و با پوشاندن لوگوی تلویزیون پخش کننده، بطور زنده برای ساکنان داخل کشور پخش زنده کند.
کم کم بینندگان متوجه شدند که بازی ها با تاخیر چند ثانیه ای پخش می‌شوند و این موضوع برای ما که می‌توانستیم همزمان بازی را از کانال‌های عربی هم ببینیم کاملا مشخص بود. لذا متوجه شدیم که این تاخیر برای سانسور لحظاتی است که دوربین استادیوم بانویی را نشان می دهد که در حال تشویق تیم مورد علاقه‌اش است. نیمی از لذت بازی شنیدن تشویق تماشاگران است و دیدن کودکانی که با چهره‌های معصوم و خندان یا تماشاگرانی که با دردست داشتن پلاکاردهای جالب و بامزه بازیکن یا تیم مورد علاقه خود را تشویق می کنند.
حضور تماشاگران آن‌قدر مهم و تأثیرگذار است که برای تنبیه تیم‌های خاطی بازی‌شان را بدون تماشاگر برگزار می کنند. گرچه معتقدم که این تنبیه بسیار ناعادلانه است. تیم مقابل چه گناهی دارد که از حضور تماشاگران خود محروم می شود؟! تماشاگرانشان چه گناهی دارند که از تماشا و تشویق تیم مورد علاقه خود محروم شده اند؟!
حتما بخاطر دارید که در دوران سیاه کرونا بازی‌های بدون تماشاگر چقدر سرد و بی روح بودند. سال‌هاست که بینندگان بازی‌ها در ایران از شنیدن صدای استادیوم محرومند.
چند شب است که بازی‌های یورو شروع شده، اکنون که دهها کانال ماهواره‌ای در دسترس بینندگان است و به راحتی می‌توانند بازی ها را از کانال‌های ماهواره ای خارج از کشور با کیفیت بهتر ببینند باز هم کسانی هستند که ترجیح می‌دهند بازی ها را با صدای گزارشگران هم زبان وطنی تماشا کنند. اما گویا سانسورچی عزیزی! که پشت دستگاه حذف صحنه ها نشسته یا آن را کنترل می‌کند ناوارد است. در بازی فرانسه و اتریش در مرحله‌ی گروهی، بارها صحنه های تکراری بی ربط را در میان بازی نشان دادند و گزارش بازی همخوانی با بازی نداشت. مثلا زمانی که توپ به اوت رفته بود گزارشگر می گفت بازی در جریان است یا توپ در وسط زمین در گردش است و این ناهماهنگی بین بازی و گزارش بیش از ده دقیقه به طول انجامید.یا این‌که توپ که به اوت می رود ناگهان تکرار صحنه گل یا صحنه ای بی ربط و تکراری نشان داده می شود مبادا بینندگان پای گیرنده ها چشمشان به صورت بانویی در حال خندیدن آن هم در ابعاد یک سانتیمتر در یک سانتیمتر بیفتد و دگرگون شوند و گناه آن را پای مسئولان تلویزیون بنویسند!گمان بیشتر مردم این است که در پشت حذف لحظه ای تصویرها ذهن بیماری وجود دارد که قطعا نیاز به روانکاوی عمیق و درمان جدی دارد. سانسور چی! چه طور ممکن است ذهن شما به جایی برود که گمان کنید حذف چهره یک بانو، به نجات جامعه از انحراف کمک می کند. اگر این طور بود وقتی آموزش و پرورش، همه رسانه ها از جمله تلویزیون و رادیو و روزنامه ها و مجله ها در دست همین قشر خاص است نباید این همه فساد و فحشا، دزدی و رانت و اختلاس و... در جامعه ما روز به روز بیشتر می شد. این سانسور تصاویر اهانت مستقیم به مردان ما و همه ورزش‌دوستان در سراسر کشور است.
باور کنید که اگر کسی به دنبال دیدن زن بی‌حجاب باشد نود دقیقه پای بازی فوتبال از تلویزیون ایران نمی‌نشیند تا شاید به طور اتفاقی لحظه‌ای یک بانوی بی‌حجاب در صفحه تلویزیون ظاهر شود. عرض خود می بری و زحمت ما می داری....



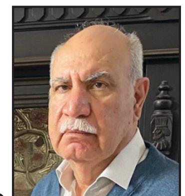
پزشکیان و دغدغه فرهنگیان

بنام او که زیباترین آغازهاست و نکوترین پایان
فرهنگیان شریف شاغل و بازنشسته در سراسر ایران، با توجه به نوع نگاه عدالت طلبانه جناب اقای دکتر مسعود پزشکیان به دغدغه های فرهنگیان شاغل و بازنشسته ، دانش آموزان و اولیا ی آنان ، و نگاهی دقیق به دیدگاه های ایشان در حوزه آموزش و پرورش که ذیلا به بخشی از انها اشاره می شود ، خیلی واضح به نظر می رسد که دیدگاه های دکتر پزشکیان با مطالبات برحق معلمان همپوشانی خیلی زیادی دارد. لذا از محضر همه فرهنگیان دلسوز وطن، اعم ازشاغل و بازنشسته در سراسر کشور دعوت می کنیم ضمن اینکه در ۸ تیرماه به دکتر پزشکیان رای می دهند، از همین امروز با همت عالی در قالب احرای شعار «هرفرهنگی یک ستاد» فعال شده و نسبت به اگاهی بخشی به همکاران ، دانش آموزان و اولیای آنان دوستان ، أشنایان اقدام نماییم
بخشی از دیدگا ههای دکتر مسعود پزشکیان در حوزه آموزش و پرورش:
۱- راه‌اندازی نهضت عدالت و برابری در آموزش و مقابله با تبعیض بمنظور ارتقای کیفیت آموزشی در مدارس دولتی بویژه در مناطق محروم
۲- تلاش برای افزایش سهم بودجه و منابع مالی آموزش و پرورش از بودجه عمومی دولت طی ۴ سال تا رسیدن به سطح استاندارد جهانی .
۳- متناسب سازی حقوق بازنشستگان بر اساس ۹۰ درصد حقوق شاغلین همتراز.
۴-اصلاح ساختار بهداشت و درمان سالمندی و برخورداری از بیمه تکمیلی یکنواخت و هماهنگ با شاغلین هر دستگاه طبق ماده ۸۵ قانون مدیریت خدمات کشوری
۵- تشکیل سازمان نظام معلمی همانند سازمان نظام پزشکی ، مهندسی و ... با هدف افزایش مشارکت معلمان در تصمیم سازی و تصمیم گیری در امور آموزشی کلان و مدرسه ای
۶- شفاف سازی در صندوق ذخیره فرهنگیان و اختصاص ارزش مالکانه صندوق و سهام شرکت های تابعه به فرهنگیان عضو صندوق برای بهره مندی از سرمایه آن
۷- دستور تشکیل کار گروه تخصصی برای ساماندهی مجدد امتحانات نهایی دانش آموزان متوسطه دوم و سابقه تحصیلی آنها با هدف ایجاد رضایتمندی در دانش آموزان، اولیا و عوامل اجرایی مدارس با تمهید امکانات و شرایط جدید
۸- محوریت مدرسه(معلم، دانش آموز و اولیا) در تمام تصمیمات و سیاستگذاری‌ها
۹-محوریت دانشگاه فرهنگیان در جذب معلم و اصلاح شیوه های گزینش و حذف نگاه امنیتی و افراطی در جذب و بکارگیری نیروی انسانی با کیفیت در مدارس
۱۰- بازنگری جدی در نحوه اجرای قانون رتبه‌بندی معلمان و با هدف کاهش نارضایتی‌های گسترده معلمان از اجرای ناقص رتبه بندی معلمان

نمایندگان تشکل های فرهنگیان حامی دکتر مسعود پزشکیان
۱- فرج کمیجانی دبیرکل مجمع فرهنگیان ایران اسلامی
۲- طاهره نقی ئی دبیرکل سازمان معلمان ایران
۳- صفر اسلامی دبیر کل انحمن اسلامی معلمان ایران

خاطرات غلامرضا شریفی‌خواه از دوران نوجوانی و هفتاد سال پیش در دروازه قدیم بوشهر(۲)

نبض بوشهر در میدان دروازه



در دهه چهل، فلکه یا میدان شهر بوشهر به مانند نگین انگشتری سبز رنگ از گل و گیاه و درختان زیبا در وسط خیابان‌های شاپور (لیان شرقی و غربی) و ششم بهمن (انقلاب فعلی) و خیابان صفوی و نادر (حافظ فعلی) جلوه‌نمایی می‌کرد. از این جهت به این‌جا دروازه می‌گفتند چون که قبلا ناحیه جنوبی شبه جزیره بوشهر به وسیله دیواری که دارای ۱۲ برج بوده است و دروازه اصلی شهر در محل میدان فعلی انقلاب (ششم بهمن) قرار داشته است از این رو هنوز هم در افواه قدیمی‌های بوشهر به نام دروازه نام می برند.

در شماره قبل دراین باره نوشتم و اکنون به ادامه معرفی در ضلع جنوب میدان دروازه، می‌پردازم.

دکان‌های داخل طاق اول در دروازه، ابراهیم گشمردی (عریضه نویس) حسین عین‌بگشا (بگشایی) لوکس فروشی، قهوه‌خانه‌ای بزرگ و مشهور از عبدل بابایی که دری هم رو به خیابان ایستگاه «صفوی» داشت، آرایشگری غلامیان، کبابی قدیمی از لطف‌الله پاسیار، و در آخر اطو بخاری علی شمشیری، قهوه‌خانه مسلم نجاتی بزرگ و دو نبش رو به خیابان دروازه ، قهوه خانه‌ای شلوغ و پر از هیاهو ازمشتریان علاوه بر داخل در بیرون هم تعدادی بر صندلی‌های بزرگ چوبی چند نفره نشسته بودند، آن‌ها از قشرهای زحمتکش بنّا، عمله، افراد متفرقه، موزیری (ملوان لنج ها) بودند که در حین کشیدن سیگار و قلیون، دودش را به یکدیگر پاس کاری می‌کردند. فضایی در قهوه خانه شبیه هوای مه‌آلود (کورکورک) پدید می آمد.

هر روز ساعت ۱۰ صبح رادیو چوبی بزرگ چند موج آن جا، برنامه‌ای اجرا می‌کرد به نام ترانه‌های درخواستی از رادیو نفت ملی آبادان که نظیر ترانه‌هایی به نام‌های «راه شیراز برای تو دوره از صمد عقاب» و «رودکارون از تاجیک» و «غروب پاییزه از قاسم جبلی» و ترانه هایی از خوانندگان دیگر شامل ایرج، دلکش، مرضیه و ... که عامه‌پسند بودند پخش می‌گردید. در بیرون از قهوه‌خانه در زیر طاق آقای حسین بهرامی ملقب به حسین پهلوون در جایی می نشست و هر دفعه با چهره‌ای متفاوت و با پوشیدن لباس‌های عجیب و آرتیستی، و گاهگاهی بعد از نمایش پهلوانی‌های خود که در شهر و بخش های اطراف به نمایش درآورده و در اوقات فراغت و تفریح سری به این قهوه خانه می‌زد، وی دارای دوچرخه ای زیبا بود که بر بدنه آن از نوارپیچی رنگارنگ و گل منگوله‌های قشنگ و اسپاک (پره) رنگی که در معرض نمایش می‌گذاشت و هر رهگذری شیفته دیدن آن بود و حسین آقا پهلوون هم از توجه مردم لذّت می برد.

در گوشه‌ای دیگر، از بیرون از خانه نابینای روشندلی به نام سلمان سلمانی که از هوش خوبی برخوردار بود و اکثر ترانه های موسیقی آن زمان را از حفظ داشت و اهالی شهر به دور آن حلقه می‌زدند و ایشان هم با صدای گرم و دلنشین خود ترانه‌های درخواستی برای آن‌ها اجرا و مردم هم با دادن پولی به او محبت می کردند.

در حوالی دروازه شهر، لوطی‌های بامرام و جوانمردانی هم بودند، مانند آقایان محمدعلی درویشی (دلو)، محمدصادق پورصباغ، عباس



عیوقی بودند. حبیب ابراهیم‌زاده و ... که این بزرگواران در هر نقطه‌ای از شهر احساس می کردند و یا می دیدند که به فرد مظلوم، ستمی روا شده، فورا از آن شخص دفاع می کردند. سپس طاق دوم در دروازه معروف به (طاق بن کول) در این طاق نجاری مشهدی حسین نیک بین و پسرش مسلم، شیرعلی یاعلی مدد (نامه نویس) استاد حسن پاسالارزاده (آرایشگر)، پدر غلام صفایی آرایشگر، دکان بن کول فروشنده اجناس خارجی، لباس و کفش و غیره، دکان عبدالکریم رامشی تعمیرکار یخچال های نفتی، دکان محمدحسن ایراندوست تعمیرکار دوچرخه و سازنده قوطی‌های مسقطی، سر نبش این طاق دکان بزرگ چند دهنه از آقا جواد زادسر که فروش انواع اجناس ایرانی ملزومات مصرفی بود و بعد از دکان‌های رو به روی خیابان، دکان مشهدی ولی سیکلی تعمیرکار و کرایه دوچرخه، دکان قربان بحرینی فروشنده مشهور در لوازم خانگی، مشهدی صفر رضایی (چای فروشی و پوشاک) عبدالحسین زارعی کفش و دمپایی می‌فروخت، دکان کله پزی مشهور از مشهدی محمد کبابی‌زاده، مطب دکتر بیطرف پزشک عمومی بود که برای کسانی که می خواستند تصدیق (گواهینامه) رانندگی از اداره راهنمایی رانندگی بگیرند، معاینه چشم انجام می‌داد و این پزشک مردمی شبانه روز در اختیار مردم شهر بود. در کنار مطب، قهوه خانه مشهدی عبدالحسین چاهی‌بخش بود که همیشه پر از مشتری از همه قشرهای مردم زحمتکش بود، در جلوی این قهوه خانه، شخصی که دارای دکه ویترینی شیشه‌ای شکل بود و دارای یک ضبط صوت نوار کاست خور که جدیدا وارد بازار شده بود. وی صدای بچه‌ها را در حین خواندن ترانه‌هایی از موسیقی ضبط می‌کرد و بچه ها صدای خود را می‌شنیدند و کیف می‌کردند و یک و یا دو ریال هم پول می‌گرفت. تعدای هم از جوانان علاقمند به سینما عکس‌هایی با لباس وسترنی (کابویی) که گرفته بودند، در پشت شیشه های مغازه های آشنای خود نصب کرده بودند تا مردم ببینند، گروهی هم در نقاطی از دروازه با تردستی و حقه بازی مردم را به بازی های کارتی (پاسوربازی) سرگرم می‌نمودند و از این طریق جیب آن‌ها را خالی می کردند البته با آمدن و حضور پاسبانان شهربانی فوراً بساط خود را جمع می کردند و می رفتند.

شخصی متدین و اهل یکی از شهرهای بالاسون با محاسنی بلند و مُلبّس به پیراهن بلند و جلیقه که استکان‌هایی در انگشتان دستش قرار می‌داد و با صدا در آوردن آن‌ها و به طور دوره‌گردی و با خواندن چهارتا یک تومن آن‌ها را به فروش می‌رساند.

بعد از قهوه خانه دکان قلیون فروشی غلامرضا درازیان، و دکان خواربار فروشی غلامرضا رضایی، دکان شیرینی فروشی و آجیلی مشهدی عباس نگارستان، قهوه خانه مشهدی خلیل پوریوسف، در هنگام عصر (پسین)، قهوه خانه های واقع در خیابان دروازه شلوغ تر می شد. زیرا قهوه خانه های در بازار قدیم تعطیل می شدند.

در مجاور این قهوه خانه، شخصی تنباکوی خوراکی (غیرتدخینی) می فروخت. این تنباکو در کاغذهایی به شکل مخروط بود که مصرف کنندگان در دهان خود در بین گونه ها و یا لب پایین و لثه ها قرار داده و استفاده می کردند. سپس دکان مشهدی احمد شیرکوه که بقالی داشت. دکان مشهدی حیدر دهداری (بقال) و در آخر دکان مشهدی مصطفی دهداری که معروف بود به مصطفی بستنی‌نی (بستنی‌ای) که از اولین ها در ساخت و فروشندگی قند گلاب «یخ در بهشت» در شهر بوده و حدودا قدمت این دکان در این شغل یک قرن می باشد. در آن زمان این بزرگوار دستگاهی داشت «سنتی» از دو بشکه داخل یکدیگر که ابتدا در بشکه فلزی گالوانیزه ای درب دار، مواد شربتی قندگلاب می‌ریخت و در بین فاصله با بشکه چوبی یخ و نمک گذاشته و آقا مصطفی پس از ساعتی با تکان دادن و چرخاندن بشکه محتوی قندگلاب، این نوشیدنی یخی طعم دار تابستانی را تهیه و به مردم عرضه می کرد.

و سرانجام در ضلع جنوبی میدان ششم بهمن یا انقلاب کنونی ساختمان چند طبقه ای که توسط آقایان حسن و عباس پوردرویش، دو برادر، که در اواخرسال ۱۳۴۲ خورشیدی شروع به ساخت این بنای زیبا کرده بودند که در طبقه زیرین چند باب مغازه به سبک مدرن امروزی و در طبقات فوقانی مغازه ها، مسافرخانه (مهمانپذیر) پارس، سالن غذاخوری و آشپزخانه دایر بود، این دو بزرگوار بوشهری با توجه به آن چه که لازمه و ضروریات در شهر بود، اقدام به درست کردن آن‌ها می‌نمودند. از جمله برای اولین بار توانستند دستگاه‌های عظیم نان ماشینی (نان فانتزی) وارد شهر کنند و انواع نان‌ها تولید و حتی به بعضی از نقاط استان هم بفرستند، و دیگر خشکشویی «مدرن اکسپرس» در خیابان ششم بهمن (انقلاب) و دو پاساژ بزرگ در خیابان لیان غربی احداث، که باعث رونق بازار و زیبایی شهر گردید.

با تشکر از عزیزانی که من را در نوشتار این خاطرات یاری نمودند.

یاد آن ایام

گذری به دوران نوجوانی و جوانی

دکتر عبدالرحیم مهرور



صبح ها که از خواب بیدار می‌شدیم بخصوص در تابستان‌ها از کوچه پس کوچه‌های محلات سنگی، صلح آباد جبری و چهار محل بوشهر به سوی دروازه گذر و نظر می‌کردیم. ابتدا با صوت‌های دل‌انگیز قرآن ذبیحی و عبدالباسط و ضرب و نوای دلنشین استاد مرشد در زورخانه‌های پوریای ولی با آوازهای صبحگاهی مردانه «علی شیر خدا» در تمام کوچه‌ها طنین‌انداز بود و رفته رفته که به محدوده دروازه یا ورودی شهر می‌رسیدیم با صدا جلینگ جلینگ لیوان‌های مرحوم علی شربتی آشنا می‌شدیم و صد قدم آن‌طرف‌تر از قهوه خانه عبدل با آهنگ‌های عربی ام‌کلثوم و عبدالحلیم حافظ، حافظه‌ی هر شخصی را به هیجان، رقص و شادی وامیداشت.

با پرسه ای در بازار قدیم و آهنگران که در کنارش خدا بیامرز خالو مهد دوغی با نجوای دعاگونه همیشگی همراه با ادب و متانت بی نظیرش هر غمی را با لهجه شیرینش از دوش و فکرمان خارج می‌کرد و به زندگی امیدواری می‌داد و آن‌طرف‌تر بازار کویتی‌هایی داشتیم که نمادش شلوارهای لی، چهل تکه و لانگلر آمریکایی و انگلیسی با پیراهن‌های آستین کوتاه منتیگل فرانسوی، کفش‌های ته سبز دانلاپ و دمپایی ابری چینی در عصر بیتل‌ها و هیپی‌ها به سوی ساحل دریا روانه‌مان می‌کرد تا در تل عاشقان هر شخصی را بیاد معشوق خود جاگیر کند، معشوق ما نه هیپی گری بود و نه بیتلی، آن‌چه بود عشق به دریای نیلگون خلیج فارس و باشگاه فوتبال شاهین و ایرانجوانی بودند که سال‌های سال با آن‌ها زندگی می‌کردیم چون که هویت و شناسنامه شهر و دیارمان بود. متاسفانه امروزه به دلیل غفلت از تاریخ این دیار و با سوءمدیریتی طولانی و نابخشودنی به محاق فراموشی فرو رفته است./ عکس: بوشهر، تل عاشقون، ۱۳۵۵



صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف‌پور
مدیر مسئول و سردبیر: دکتر یونس قیصی‌زاده
دبیر هئیت تحریریه: نسیم فقیه
نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه بوستان ۳۰،
دفتر نسیم جنوب - تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰ - ۰۷۷
تلفن همراه و واتساپ: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
لیتوگرافی و چاپ: بهارستان

nasimjonoub.com
نسیم جنوب
هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

هفته نامه نسیم جنوب
دیرپاترین نشریه تاریخ بوشهر
تلفن های تماس
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷۳۳۳۲۵۹۰۰
www.nasimjonoub.com

وضعیت بحرانی و نامناسب آب در بافت قدیم بوشهر

ولید صفری



مدیر آب و فاضلاب استان بوشهر!
وضعیت بحرانی و نامناسب آب در چهار محله بندر بوشهر به شدت توهین‌آمیز و تحقیرکننده است. در این فصل بسیار گرم و طاقت‌فرسا که نیاز به بهداشت فردی و عمومی بیشتر از همیشه احساس می‌شود، مقدار آب کمی که به خانوارهای این منطقه اختصاص داده می‌شود، نه تنها ناچیز بلکه در ساعاتی نامناسب و در بدترین زمان ممکن ارائه می‌شود، که باعث بی‌خوابی و آزار مردم شده است.
اگر فرسوده بودن لوله‌ها دلیل این مشکل است، چرا تا همین چند وقت پیش، آب در این منطقه از ساعت ۱۵ الی ۲۴ با فشار مناسب در دسترس بود؟ لطفاً به این موضوع حیاتی رسیدگی کنید. هیچ‌کس نمی‌تواند ساعت ۲ یا ۳ بامداد به دلیل بوی بد بدنش که از گرما و رطوبت روزانه ایجاد شده، به حمام برود و روز بعد با روانی خسته و آشفته در محل کار حاضر شده و با خوش‌رویی با مردم برخورد کند. اگر نمی‌توانید این مشکل را حل کنید، مسئولیت را به فرد دیگری واگذار کنید که توانایی رسیدگی به آن را دارد. لطفاً فوراً به این موضوع رسیدگی کنید.

پوشاندن چهره خاتمی در بنر تبلیغاتی پزشکیان در دلوار



در بنر تبلیغاتی دکتر پزشکیان در شهر دلوار، تصویر سیدمحمدخاتمی رییس جمهوری پیشین پوشانده شد.
گویا این اتفاق با دستور برخی مجموعه ها صورت گرفته و روز بعد نیز این بنرجمع آوری شد.
این اتفاق واکنش عطاالله مهاجرانی وزیر ارشاد دولت اول اصلاحات را در پی داشته و در توئیتی نوشت: «مبارک است. همین رأی‌آور است!»

در گریختن رستگاری نیست

دکتر محمد بهروزی



امروز وقتی با بسیاری از نخبگان جامعه و دانشجویانم و همچنین نسل جوان و فرزندان خودم صحبت می کنم تا آن‌ها را به شرکت در انتخابات ریاست جمهوری متمایل و علاقمند سازم، عمدتا با برشماری بسیاری از ناکارآمدی و بی‌توجهی دولت‌ها و حاکمیت به وضعیت جوانان، تورم افسارگسیخته، معیشت مردم، سخت‌گیری به وضعیت حجاب دختران و حضور حجاب‌بان‌ها، بی‌توجهی به پاسخگویی مدنی در برخورد با انتقادات و اعتراض‌ها و... ده‌ها ناکارآمدی دیگر در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی و بین‌المللی اشاره می کنند که با قصد تحریم انتخابات و همراهی نکردن در این عرصه مشارکت سیاسی، فکر می کنند که پاسخی مدنی و هوشمندانه به این رفتار و برخورد دولت‌ها و حاکمیت می‌دهند.
واقعیت این است که استدلال‌های آن‌ها در ناکارآمدی دولت‌ها در طول سالیان متمادی، امری درست هست، که اکنون به بغض‌های جوانان ایران زمین و نخبگان اجتماعی تلمبار شده و به این عصیان سیاسی تبدیل گشته است.
امروز بیش از پیش مسئولان کشوری وظیفه دارند که به انتقادات این عزیزان با شکیبایی گوش فرادهند و به نوعی زخم‌های انباشته و متمادی آن‌ها را مرهم نهند. امروز نمی‌توان خواسته‌های به حق عزیزان جوان را کتمان و یا فراموش کرد، اما واقعیت این است که قهر کردن با صندوق رای نیز پاسخی به این دردمندی اجتماعی و سیاسی نیست.
حال که حاکمیت با درک این برهه حساس، با تایید صلاحیت دکتر مسعود پزشکیان پاکدست، متخصص، حقگو و با شهامت، زمینه آشتی ملی را فراهم نموده است، جوانان و نخبگان ما نیز باید با درک اهمیت این فرصت تاریخی و همچنین با درک وضعیت امروز و آینده ایران زمین، با حرکتی اجتماعی و مشارکت سیاسی همراه با اوج هیجان، با حضور در انتخابات ریاست جمهوری و انتخاب دکتر پزشکیان، به تثبیت پایه‌های دولت مردمی و علاقمند به حل مشکلات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی همراهی نمایند.
نخبگان و جوانان علاقمند به سرآمدی ایران زمین، امروز گریختن را کنار بگذارند و به آشتی ملی بپیوندند.
در گریختن رستگاری نیست،
بمان و چیزی از خودت بساز که نشکند



دادگستری بوشهر مشکلات باشگاه ایران جوان را پیگیری می کند

رئیس کل دادگستری استان بوشهر گفت: دستگاه قضا در تحقق حقوق عامه و برای حل مشکلات باشگاه ایران‌جوان بوشهر از هیچ کوششی فروگذاری نمی‌کند.
به گزارش ایرنا مهدی مهر انگیز در نشست با مسوولان باشگاه ایران جوان بوشهر اظهار کرد: باتوجه به این که باشگاه ورزشی ایران‌جوان بوشهر نقش مهمی در تربیت و پرورش جوانان و نوجوان دارد دستگاه قضا در راستای حفظ حقوق عامه به بررسی مشکلات این باشگاه ورود کرده که امید می‌رود با ارائه راهکارهای لازم این مشکلات ساماندهی شود.
وی افزود: یکی از رسالت‌های مهم دستگاه قضا در استان بوشهر تحقق حقوق عامه و ساماندهی مشکلات مردم است.
رئیس کل دادگستری استان بوشهر تصریح کرد: یکی از برنامه‌های دادگستری استان بوشهر پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی به ویژه در اقشار جوان و نوجوان است که در این زمینه از همه راهکارها استفاده می‌شود.
وی باشگاه‌های ورزشی را از ظرفیت‌های مهم برای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی دانست و ادامه داد: باشگاه ایران‌جوان بوشهر با داشتن پیشینه و قدمت تاریخی بسیار زیاد دارای مشکلات مالی است که ساماندهی این مهم مورد توجه ویژه قرار دارد.
مهرانگیز یادآور شد: باشگاه‌های ورزشی متعلق به همه مردم به ویژه جوانان و نوجوانان است برهمین اساس جزو حقوق عامه محسوب می شود.

قدمت ۷۴ ساله باشگاه ایران‌جوان بوشهر

مدیرعامل باشگاه ایران جوان بوشهر نیز گفت: در این باشگاه بازیکنان متعددی از جمله مهدی طارمی، مهدی قائدی، حسین ماهینی و دیگر بازیکنان به باشگاه‌ها و تیم‌های مختلف کشور و جهان معرفی شده است.
سعید مفتخر با بیان این که این باشگاه در سال‌های گذشته مشکلات مالی زیادی داشته است افزود: هم اینک بدهی باشگاه ایران‌جوان به رستوران‌ها، هتل‌ها به مرحله اجرای احکام دادگستری رسیده است.
وی با بیان این که راهی جز تمکین اجرای احکام نداریم یادآور شد: برای رفع این مشکلات در پی راهکارهای مختلف بودیم تا از این مرحله گذر کنیم و در این راستا نشستی با رئیس کل دادگستری استان بوشهر تشکیل شد.
مدیرعامل باشگاه ایران‌جوان بوشهر اضافه کرد: دغدغه دستگاه قضا کمک این باشگاه و ادامه فعالیت است و در این راستا راهکارهای مختلفی برای ساماندهی این مشکلات توسط ارائه شده است. مفتخر یادآور شد: بر اساس تاکیدات رئیس کل دادگستری با طلبکاران نشست‌هایی تشکیل می‌شود و راهکارهای لازم برای حل مشکلات آنان و باشگاه ایران‌جوان ارائه می‌شود.
وی گفت: باتوجه به فعالیت ۳۰۰ بازیکن و ورزشکار در در باشگاه ایران‌جوان بوشهر حل مشکل باشگاه نقش اثربخش و تأثیرگذاری در راستای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی محسوب می‌شود.